

بررسی رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان شهر لار

سراج‌الدین محمودیانی* علی‌یار احمدی** کبری عباسی***

چکیده

بهبود وضعیت اجتماعی زنان و افزایش نقش‌آفرینی آنها درون خانواده در ایدئال‌ها، تمایلات و فرزندآوری آنها اثر می‌گذارد. در مطالعه‌ی حاضر، با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته تلاش شده است تا رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان در شهر لار بررسی شود. بدین منظور، تعداد ۴۰۰ زن متأهل، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای پیمایش شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان بررسی‌شده باروری ایدئال (۲/۵) فرزند برای هر زن) بالاتر از سطح جایگزینی و باروری واقعی (۱/۸) فرزند برای هر زن) کمتر از سطح جایگزینی دارند. تحصیلات و وضعیت اشتغال از متغیرهای معنادار تأثیرگذار در ساختار قدرت در خانواده‌اند. تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره نیز از آن حکایت می‌کند که با افزایش قدرت زنان در خانواده، باروری ایدئال، باروری خواسته و تعداد فرزندان زنده به‌دنیاآمده‌ی زنان کاهش می‌یابد. با روند بهبود وضعیت زنان انتظار می‌رود، در آینده، ساختار قدرت در خانواده تأثیر بیشتری در کنش‌های باروری زنان داشته باشد. پیشنهاد می‌شود، سیاست‌گذاری‌های جمعیتی بر تحقق باروری ایدئال زنان که بالاتر از سطح جایگزینی است، متمرکز شود.

واژگان کلیدی

ساختار قدرت در خانواده، کنش‌های فرزندآوری، زنان، شهر لار.

* استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز (serajmahmoudiani@gmail.com)

** دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) (Ahmadi.aliyar@gmail.com)

*** کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز (abbasik92@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۸

۱. مقدمه و بیان مسئله

نادیده گرفتن زنان در حوزه‌های علوم اجتماعی یک فرایند چندوجهی با تاریخی طولانی است (صادقی فسایی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). در تحلیل‌های متداول، مردان کنشگران، محرکان و دگرگون‌کنندگان زندگی اجتماعی مطرح شده‌اند. در مقابل، زنان از رویکردهای کلیدی محروم مانده‌اند و سهم آنها در ساختن جامعه نادیده گرفته شده است (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

قدرت مردان در جامعه نسبت به قدرت زنان شناخته شده‌تر است، زیرا مردان بسیار بیشتر از زنان در عرصه‌های اجتماعی حضور رسمی و صوری دارند. عمده‌ی فعالیت زنان در خانه بوده که حوزه‌ای خصوصی است و در مقایسه با حوزه‌ی عمومی کمتر به چشم می‌آید. اخبار در مورد اتفاقات، رویدادها و رفتارهای درون خانواده بسیار کمتر از حوزه‌ی عمومی منتشر می‌شود. حوزه‌ی خصوصی جایی است که رفت و آمد به آن کمتر کنترل می‌شود؛ لذا اطلاعات درباره‌ی آن اندک است. حوزه‌ی عمومی بسیار راحت‌تر به چشم می‌آید در حالی که تا چند دهه‌ی اخیر، زنان تنها در حوزه‌ی خصوصی محدود بوده‌اند، به همین دلیل اطلاعات ما از رفتارهای آنها کمتر است (عرفانی، ۱۳۸۶: ۴).

۷۴

به باور برخی محققان، هرچند زنان در عرصه‌ی جامعه‌ی مدنی فعال‌اند، ولی عمده‌ی حوزه‌ی فعالیت آنها محدود به حوزه‌های خانوادگی است (اعزازی، ۱۳۸۷، به نقل از جعفری، ۱۳۸۷: ۱۲۷). با وجود این، راسل در کتابش با نام قدرت از قدرت پشت پرده سخن می‌گوید. او می‌نویسد: «در هر سازمان بزرگی که زمامداران قدرت زیادی در اختیار دارند، مردان (یا زنان) کوچکتری هم هستند که با شیوه‌های شخصی خود در رهبران نفوذ می‌کنند» (راسل، ۱۳۷۱: ۷۱).

در برخی موارد، هرچند زنان در ظاهر حضور نداشته و به‌طور رسمی در جایگاه تصمیم‌گیرندگی دیده نمی‌شوند، اما در واقعیت، رهبران پشت پرده‌اند. در این مورد، نمی‌توان از واژه‌ی قدرت در معنای تخصصی آن و یا حتی اقتدار نام برد و شاید بتوان از نفوذ زنان سخن گفت. زنان گاه نظرات و ایده‌هایشان را از طریق انتقال آن به مردان وارد عرصه‌ی عمل کرده و بدین ترتیب در بسیاری از امور دخالت می‌کنند. یعنی هرچند در ظاهر، این مرد است که حرف می‌زند و رأی را بیان می‌کند، اما در واقع، این تفکرات و نظرات زن است که او را به این نظر یا عمل سوق داده است. اینکه زنان در بسیاری از موارد خود در صحنه ظاهر نمی‌شوند، حرفی نمی‌زنند و در ظاهر در موضوع دخالتی ندارند، باعث این تصور در بیشتر مردم شده است که زنان منفعل و بدون قدرت‌اند (عرفانی، ۱۳۸۶: ۶). بنابراین باید گفت که تصویر شکل گرفته از زنان که بی‌تحرك و تابع خانه و خانواده‌اند، به‌هیچ‌وجه تصویر درستی نیست.

در این میان رفتار باروری براساس محرک‌ها و فرایند تصمیم‌گیری و نگرش‌های مرتبط با آن را می‌توان رفتاری اجتماعی که در یک محیط اجتماعی حادث می‌شود، در نظر گرفت (محمودیان، ۱۳۷۹: ۱۴۸). بدون تردید، کاهش باروری با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مرتبط است، اما ماهیت و ترکیب خاص هر یک از این عوامل از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است (Reed & et al, 1999: 1). امروزه، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه میزان باروری کل در سطح جایگزینی و حتی پایین‌تر از آن را داشته‌اند. ایران نیز از جمله کشورهای است که در چند دهه‌ی اخیر افت شدیدی را در نرخ‌های باروری خود داشته است (عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲: ۴۵).

در سه دهه‌ی گذشته، باروری در ایران کاهش چشمگیری داشته است. تمام مناطق جغرافیایی ایران و همه‌ی زیرگروه‌های اجتماعی و جمعیتی کاهش سریع باروری داشته‌اند. فرایند گذار باروری در ایران متناسب با تحولات ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌وقوع پیوسته و به تغییراتی در ایستارهای مرتبط با ازدواج و فرزندآوری و در نهایت، ایدئال‌ها و رفتارهای باروری منجر شده است (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰).

در سال‌های اخیر، وضعیت اجتماعی زنان به موازات تغییرات باروری در ایران بهبود داشته است؛ برای مثال، فرصت‌های آموزشی و تحصیلی برای زنان در مقایسه با مردان، هر چند با تأخیر، اما گسترش چشمگیری داشته است. شکاف تحصیلی میان دو جنس تا حد زیادی محو و این امر به عنصر مهمی در تعریف مجدد جایگاه و نقش زنان در خانواده و حتی در کل جامعه تبدیل شده است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۶).

امروزه، حتی تعداد زنان در تحصیلات دانشگاهی بیشتر از مردان است، به طوری که در سال ۱۳۷۷ سهم زنان از پذیرفته‌شدگان دانشگاهی ۵۲ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ به ۵۷ درصد، در سال ۱۳۷۹ به ۶۰ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۶۲ درصد رسید. در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲، سهم زنان از بین شمار ثبت‌نام‌شده‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۵۴ درصد بود که این رقم در سال‌های تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳ و ۸۵ - ۱۳۸۴ به ترتیب به ۵۷/۶ و ۶۳/۵ رسید (طباطبایی‌یزدی، ۱۳۸۶: ۷۴؛ Abdollahyan, 2004). در سال ۱۳۹۱، براساس اعلام سازمان سنجش کشور سهم پذیرفته‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها ۶۰/۲ درصد بود که این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۵۱ درصد افزایش یافته است.

انتظار می‌رود، بالا بودن سهم زنان از تحصیلات عالی به تغییر نقش آنها در خانواده و افزایش تأثیرشان در تصمیمات خانواده مانند تصمیم‌گیری درباره‌ی باروری بینجامد. محمودیان در

مطالعه‌ی خود نشان داد که موقعیت زنان در ایران بهبود زیادی داشته است؛ اگرچه موقعیت مردان نیز بهبود داشته است، اما میزان آن برای زنان بیشتر بوده و به کمتر شدن شکاف جنسیتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی دو جنس انجامیده است. مطالعه‌ی فوق نشان داد، موقعیت زنان در آموزش، بهداشت و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده بهتر از مردان است (محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۳۳). طی دهه‌های اخیر، حضور زنان در عرصه‌ی اجتماعی در اثر تغییرات فرهنگی و اجتماعی - به‌ویژه تحت تأثیر تحولات پدیده‌آمده در خانواده - افزایش یافته است. در پی تحولاتی مانند مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، کارهای درآمدزا و به‌ویژه دگرگونی نقش زنان در خانواده برای زنان فرصتی فراهم شده است که پایگاه و موقعیت خود را ارتقا دهند (عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹: ۳۳). شهرستان لارستان با مرکزیت شهر لار در استان فارس مانند بیشتر شهرستان‌های کشور در سطح باروری در دهه‌های اخیر روندی کاهشی داشته است. عباسی‌شوازی و حسینی‌چاووشی در مطالعات خود در این حوزه نشان داده‌اند که میزان باروری کل این شهرستان طی دوره‌ی ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ از ۲,۶۶ به ۱,۹۲ فرزند برای هر زن رسیده است. کاهش باروری و رسیدن به باروری به زیر سطح جانمایی و نیز تنوع قومیتی - مذهبی و اقتصادی - اجتماعی ساکنان شهر لار از مهم‌ترین دلایل انتخاب این شهر برای قلمرو جغرافیایی مطالعه‌ی حاضر بوده است (عباسی‌شوازی و حسینی‌چاووشی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

کاهش مستمر باروری و ازسویی بهبود وضعیت زنان در خانواده این پرسش را مطرح می‌کند که آیا جایگاه زنان به‌ویژه قدرت زنان در خانواده می‌تواند از تعیین‌کننده‌های باروری باشد یا خیر؟ برای این منظور در مطالعه‌ی حاضر تلاش شده است که رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و باروری زنان در شهر لار در استان فارس بررسی شود. لازم به توضیح است که در این مطالعه، باروری با تأکید بر رفتار بالفعل باروری و نیز ایدئال باروری زنان مورد نظر بررسی می‌شود.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات پارادو و فلیپن نشان داده است که منابعی که یک زن می‌تواند در اختیار داشته باشد و به افزایش قدرت او بینجامد، با تعداد سال‌های تحصیل، وضعیت اشتغال، درآمد و سن آنها در ارتباط است. تحویلات می‌تواند فرصت اشتغال زنان را بهبود بخشد (Parrado & Flippen, 2005). به‌علاوه، قدرت باعث می‌شود که زنان منابع ارزشمندی مانند ثروت به‌دست بیاورند که با جریان تصمیم‌گیری در مهاجرت خانوادگی رابطه‌ی مثبت دارد (Oucho, 2011: 54). فوکس نشان داد که شهرنشینی در افزایش قدرت زنان در خانواده تأثیرگذار است (Fox, 1973: 718). بررسی

آچارها و همکاری‌های نشان داد، سن، اشتغال و تعداد فرزندان زنده با قدرت زن در خانواده رابطه‌ی مثبت دارد (Acharya & et al, 2010: 15). پژوهش‌ها در ایران نیز نشان داده است که وضعیت اشتغال زوجین، درآمد زوجین، تحصیلات زوجین، سن زوجین یا فاصله‌ی سنی زوجین، مدت ازدواج، بعد خانوار و تعداد فرزندان از تعیین‌کننده‌های مهم قدرت زنان در خانواده‌اند (حسینیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱۰؛ عنایت و دسترنج، ۱۳۸۹: ۱۰۸؛ مهدوی و خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۶۰؛ ایمان و بهمنی، ۱۳۹۱: ۲۲؛ ناییب و گلشنی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). مطالعاتی که به‌نحوی رابطه‌ی کنش‌های فرزندآوری زنان و وضعیت آنها در خانواده یا به‌نوعی ارتباط نظری ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان را بررسی کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که تحولات اجتماعی باعث تغییر وضعیت زنان در خانواده و جامعه شده است؛ امروزه، زنان قدرت و استقلال نسبی بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دارند که این وضعیت به تغییر در رفتارهای جمعیتی و از جمله کنش‌های باروری زنان انجامیده است (عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹: ۳۳؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱: ۷۴؛ دراهکی، ۱۳۹۴: ۶۶؛ Dyson & Moore, 1983: 35؛ Mason, 1987: 718؛ Hindin, 2000: 255). به عبارتی، رفتار و ایدئال‌های باروری زنان از شاخص‌های ساختار قدرت در خانواده تأثیر می‌گیرد. البته مطالعاتی نیز نشان داده‌اند که با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بین متغیرهای وضعیت زنان در خانواده و تمایل آنها به فرزندآوری تأثیر معناداری وجود ندارد (عباسی‌شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲: ۴۵).

۳. مبانی و چارچوب نظری

در این پژوهش برای تبیین رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری دیدگاه ساختار و منابع قدرت در خانواده مطرح شده است.

۳-۱. ساختار قدرت در خانواده

تاکنون مفهوم قدرت طوری تلقی شده است که گویی فقط در اختیار مردان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قدرت در میان زنان نیز وجود دارد و آنها همچون کنش‌گرانی صاحب قدرت مطرح‌اند (اعزاز، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۶). وقتی گفته می‌شود که چه کسی اعمال قدرت می‌کند، دراصل، این امر مربوط به تصمیم‌گیری‌های خانواده است (Olson, 1962: 545). نبود یک نتیجه‌گیری واحد درباره‌ی الگوهای قدرت در خانواده، متضاد و متناقض بودن نتایج مطالعات مختلف به‌دلیل تعاریف متفاوت، ساختار و روش‌های گوناگون استفاده‌شده و اهداف از ناسازگاری‌هایی است که هر کدام از مطالعات پیشین دنبال کرده‌اند (Beckman-Brindley & Tavormina, 1978: 423).

در روند صنعتی شدن و تخصصی شدن امور، جوامع جدید و صنعتی بخش مهمی از مسئولیت‌های خدمت‌مندی و تولیدی خانه و خانواده را به سازمان‌های دیگر تفویض کرده‌اند. از سوی دیگر، توسعه موجب سست شدن ساختار سنتی خانواده و اقتدار حاکم بر آن شده است. پدر خانواده دیگر همان رئیس مرسوم در جوامع کشاورزی نیست. از دیگر علل افت اقتدار در خانواده گسترش جهان‌بینی مردم‌سالاری است که بیشتر بر حقوق فردی تأکید دارد. نخستین نشانه‌های دگرگونی در نقش زنان، در اروپا و از قرن ۱۹ پدیدار شد. به‌طور کلی، این تغییرات در آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی آنها تأثیر گذاشت و از سوی، باعث تغییر در نگرش سنتی مردان نسبت به توانایی‌ها و نقش زنان در خانواده و جامعه شد. به‌دنبال این تحولات، ابعاد مختلف ساختار خانواده، به‌ویژه از لحاظ توزیع قدرت و نوع اقتدار حاکم بر آن و همچنین از نظر تقسیم کار سنتی، تغییر کرد و دگرگون شد (عنایت و دسترنج، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

در سال ۱۹۸۷ برای اولین بار، رابرت کانل نظریه‌ی «جنسیت و قدرت» را مطرح کرد. این تئوری، جنسیت را از طریق سه ساختار اصلی بررسی می‌کند: ۱. ساختار کار (تقسیم جنسیتی کار، تفاوت‌های اقتصادی در محل کار و خانه)، ۲. ساختار قدرت (تقسیم جنسیتی قدرت، تفاوت‌های رابطه‌ای و نهادی در قدرت) و ۳. تصرف. کانل دو ساختار اولیه‌ی مذکور را از طریق مرور مطالعات پیشین به‌دست آورد. وی ساختار سوم را به‌منظور مهم‌جلوه‌دادن بعد عاطفی روابط، نوآوری و ابداع کرد. از نظر او سه ساختار مذکور در دو سطح متفاوت - یعنی سطوح جامعه و نهاد- وجود دارند.

می‌توان چنین استنباط کرد که قدرت مفهومی جنسیتی است، یا به‌عبارتی دیگر، قدرت برحسب جنسیت ممکن است متفاوت باشد. یعنی برحسب اینکه در یک جامعه، جنسیت، برابری یا نابرابری جنسیتی در چه وضعیتی است، قدرت نیز برای دو جنس متفاوت خواهد بود. همان‌طور که ذکر شد، بخش اساسی از قدرت و جنسیت به حوزه‌ی خانواده مرتبط است؛ یعنی قدرت در خانواده نیز از تفاوت‌های اقتصادی افراد در درون خانه متأثر خواهد بود.

۲-۳. منابع قدرت در خانواده

نظریه‌پردازی در ارتباط با توزیع قدرت در خانواده تقریباً به دهه‌ی ۱۹۶۰ باز می‌گردد و اولین و معروف‌ترین نظریه در این موضوع نظریه‌ی «منابع» است که بلا و ولف در همان دهه مطرح کردند (منصوریان و قادری، ۱۳۸۱: ۲۷۵). این نظریه بیان می‌کند که قدرت یک فرد در تصمیم‌گیری‌های زناشویی و از این‌رو، توانایی چانه‌زدن برای برون‌رفت از یک وضعیت - که ممکن است اثر منفی داشته

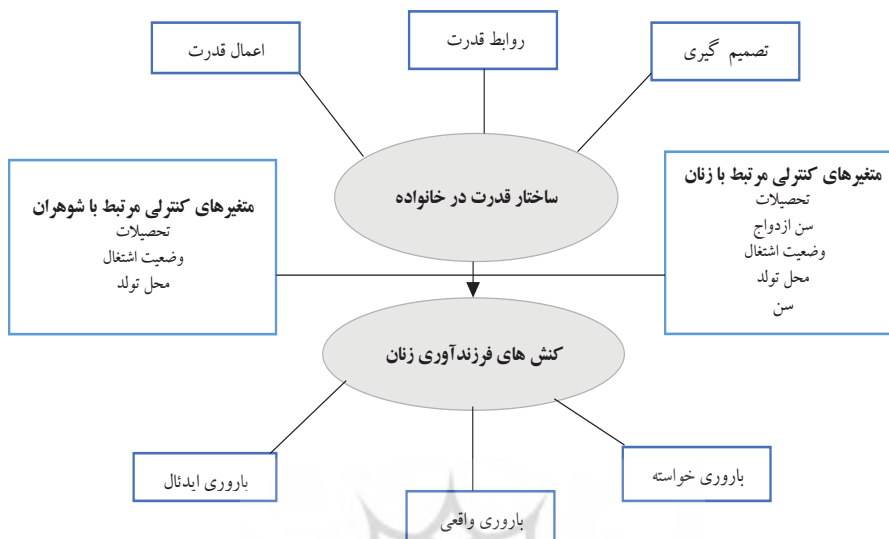
باشد - و یا اعمال فشار برای تصمیم‌های مفید، تابعی مثبت از منابع در اختیار فرد است (Chat-topadhyay, 1997: 340).

نظریه‌ی منابع را می‌توان نسخه‌ای از نظریه‌ی «مبادله» دانست که اصلی‌ترین کاربرد آن در ایالات متحده آمریکا برای تفسیر قدرت بوده است. رویکرد مبادله، منشأ تفاوت و تمایز قدرت کنش‌گران را نابرابری در منابع تولید می‌داند. از نظریه‌پردازان این حوزه می‌توان به پیتز بلاو اشاره کرد. بلاو به قدرت در روابط اجتماعی توجه دارد و از نظر وی مبادلات و روابط قدرتی که از آنها ناشی می‌شود، نیروهایی را تشکیل می‌دهد که باید فی‌نفسه مطالعه شود. از کارهای اصلی بلاو استنتاج از این نظریه برای تفسیر قدرت در گروه‌های کوچک است. به باور بلاو، هرگاه یک نفر به چیزی از طرف مقابل نیاز داشته باشد، اما چیز مقایسه‌پذیری برای جبران نداشته باشد، چهار حالت به وجود خواهد آمد: اول، انسان می‌تواند به زور طرف مقابل را وادار به عمل کند؛ دوم، اینکه می‌تواند برای رفع نیاز خود به منبع دیگری مراجعه کند؛ سوم، بدون نیاز و به دست آوردن آن چیز امور خود را پیش ببرد و چهارم، می‌تواند خود را تابع دیگران کند که این حالت چهارم همان ویژگی اساسی قدرت در یک رابطه است (اوتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۹۰۷؛ توسلی، ۱۳۸۰: ۴۱۹؛ ریتزر، ۱۳۸۷: ۴۳۵).

شروع تغییرات در حوزه‌ی خانواده براساس منابع موجود به دهه‌های پیشین و حتی قبل از انقلاب برمی‌گردد (جمشید، ۱۳۵۰: ۲). خروج زنان از خانه و حضور آنها در عرصه‌ی تحصیل و اشتغال و پیشرفت روزافزون در این حوزه‌ها از جمله پدیده‌هایی است که با ورود و گسترش صنعت و نوسازی در ایران شکل گرفته است. اهمیت تغییر نقش زنان و مردان طوری است که «اثر مشارکت زنان در بازار کار رسمی بر تعادل قدرت درون خانواده و سهیم شدن در وظایف مولد اجتماعی محققان را به تفکر واداشته است» (Hardill, 2002: 21). بی‌شک باروری با میزان قدرت زوجین در خانواده مرتبط است.

به‌طور کلی می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که بهبود موقعیت زنان در خانواده و افزایش قدرت آنها - در قالب مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های خانواده - تأخیر در ازدواج، استقلال مالی و شغلی بیشتر، افزایش توانایی زنان در استفاده از وسایل پیشگیری و... را باعث می‌شود که در نهایت، این امر به کاهش باروری خواهد انجامید. به‌بیانی دیگر، هر اندازه محیط خانواده - برای مثال در نتیجه‌ی افزایش تحصیلات زنان - به سمت افزایش قدرت زنان پیش برود، به همان اندازه انتظار می‌رود، کنش‌ها و رفتارهای باروری زنان - مانند تعداد فرزندان ایدئال، تعداد فرزندان خواسته یا حتی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده‌ی زنان - دستخوش تغییر - اغلب با کاهش - شود. با توجه به آنچه که در

بحث شواهد نظری و مطالعات پیشین آورده شد، مدل تحقیق ذیل ترسیم پذیر و آزمون پذیر است.



شکل ۱. مدل تأثیرگذاری ساختار قدرت در خانواده در کنش های فرزندآوری زنان

بر اساس مباحث مطرح شده فرضیات این پژوهش عبارت است از:

- بین ساختار قدرت در خانواده و باروری خواسته‌ی زنان رابطه‌ی منفی وجود دارد.
- بین ساختار قدرت در خانواده و باروری ایدئال زنان رابطه‌ی منفی وجود دارد.
- بین ساختار قدرت در خانواده و باروری واقعی زنان رابطه‌ی منفی وجود دارد.

۴. روش پژوهش

تحقیق پیش‌رو در حوزه‌ی مطالعات کمی قرار می‌گیرد که از تکنیک پیمایش بهره‌برده است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر زنان در سن باروری (۴۹ - ۱۵ ساله) در شهر لار را شامل می‌شود که این تعداد طبق نتایج سرشماری ۱۳۹۰ برابر با ۳۵۱۱۵ نفر بوده است. حجم نمونه نیز با استفاده از جدول لین برابر با ۳۸۴ نفر برآورد شد که به‌منظور اطمینان بیشتر تعداد ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌های این مطالعه پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته است. برای دستیابی به نمونه‌ی مورد نیاز از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا شهر لار برحسب وضعیت اقتصادی - اجتماعی به سه منطقه تقسیم شد تا بتوان به نمونه‌ای که تنوع کافی داشته باشد، دست پیدا کرد. تلاش شد سه منطقه‌ی انتخاب‌شده نشان‌دهنده‌ی سه

وضعیت بالا، متوسط و پایین باشد. سپس در هر منطقه به صورت تصادفی بین زنان به طور مساوی پرسش نامه توزیع شد. یعنی تعداد زنان در سه منطقه مساوی در نظر گرفته شده است. به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

متغیر وابسته‌ی تحقیق حاضر کنش‌های فرزندآوری زنان شهر لار است که در واقع بر سه نوع کنش تأکید دارد که باروری واقعی (تعداد فرزندان که هر زن تا زمان تحقیق به دنیا آورده است)، باروری ایدئال (تعداد ایدئال فرزندان از نگاه زنان) و باروری خواسته (تعداد فرزندان که هر زن قصد دارد به دنیا بیاورد) را شامل می‌شود. تفاوت باروری ایدئال با باروری خواسته این است که در باروری ایدئال، زنان -با در نظر گرفتن شرایط کلی جامعه- تعداد فرزندان که هر زوج، امروزه، می‌تواند داشته باشد را اظهار می‌کنند، اما در باروری خواسته، زنان فقط شرایط اقتصادی - اجتماعی خود و خانواده‌ی خود را در نظر می‌گیرند و تعداد فرزندان که قصد دارند به دنیا بیاورند - یعنی تعداد فرزندان که مطلوب خود می‌دانند- را بیان می‌کنند. متغیر مستقل اصلی تحقیق نیز ساختار قدرت در خانواده است که بر تصمیم‌گیری، ساخت روابط قدرت و شیوه‌ی اعمال قدرت اشاره می‌کند.

۸۱

برای سنجش تصمیم‌گیری از تعداد ۲۰ گویه، برای سنجش روابط قدرت از تعداد ۱۰ گویه و در نهایت، برای اندازه‌گیری شیوه‌ی اعمال قدرت از تعداد ۹ گویه استفاده شده است. تمام گویه‌های فوق در قالب طیف لیکرت و بیشتر از حوزه‌های تصمیم‌گیری مورد نظر بلاد و ولف (ناییبی و گلشنی، ۱۳۹۲: ۱۵۰) بهره برده شده که البته نگارندگان آن را نیز جرح و تعدیل کرده‌اند. لازم به توضیح است که در نهایت و باتوجه به پاسخ‌های به دست آمده از طریق پرسش نامه ساختار قدرت در خانواده در قالب سه مقوله‌ی زن محور، دموکرات و شوهر محور تعریف شده است. برای سنجش رفتار واقعی باروری - که به تعداد فرزندان اشاره می‌کند- از دو گویه استفاده شده است: اول، تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آمده‌ی پسر و دوم، تعداد کل فرزندان زنده به دنیا آمده‌ی دختر. از مجموع این دو گویه تعداد کل فرزندان برای هر زن به دست خواهد آمد. برای سنجش باروری ایدئال نیز از زنان بررسی شده از تعداد دو گویه استفاده شده است: اول، شما فکر می‌کنید داشتن چند فرزند برای خانواده‌های امروزی ایدئال است؟ دوم، چه تعداد فرزند قصد دارید به دنیا بیاورید؟ که در واقع باروری خواسته را اندازه‌گیری می‌کند.

اعتبار پرسش‌نامه‌ی مورد نظر از طریق اعتبار صوری آزموده و تأیید شد و برای بررسی پایایی گویه‌های استفاده شده در سنجش متغیر ساختار قدرت از آزمون آلفای کرونباخ بهره برده شد که نتایج آن نشان دارد، ضریب به دست آمده برای تمامی گویه‌ها برابر با ۰/۸۴ و به ترتیب ضریب آلفای محاسبه شده برای بعد تصمیم‌گیری ۰/۹۱، ضریب آلفای روابط قدرت در خانواده برابر با ۰/۸۷ و

ضریب آلفای شیوهی اعمال قدرت برابر با ۰/۷۹ بود که این مقادیر بیانگر پایایی بالایی گویه‌هاست یا نشان‌دهنده‌ی همسازی درونی گویه‌های استفاده‌شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان می‌دهد که سن زنان بررسی‌شده از ۱۸ تا ۵۰ سال در نوسان بوده است و میانگین سن نیز حدود ۳۲ سال است. حدود ۳۷ درصد زنان کمتر از ۳۰ سال داشته‌اند؛ یعنی بنابر تعریف جمعیتی جوان به‌شمار می‌آیند. بیش از ۴۴ درصد نیز بین ۳۰ تا ۳۹ سال دارند که بیشتر زنان در همین رده‌ی سنی قرار دارند. سن شوهران نمونه‌ی تحقیق حاضر در دامنه‌ی ۲۰ تا ۶۰ سال در نوسان و میانگین به‌دست‌آمده برای سن شوهران ۳۷ سال است. اختلاف میانگین سن زنان با شوهران ۵ سال به‌دست آمده است و با اختلاف سنی متداول همخوانی دارد که این امر بیانگر معرف بودن نمونه‌ی بررسی‌شده نیز است. لازم به ذکر است که دامنه‌ی اختلاف سنی زنان با شوهران از ۲۸ سال شوهر بزرگ‌تر تا ۱۰ سال زن بزرگ‌تر متغیر بوده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی - اجتماعی زنان مورد مطالعه

سن		
درصد	فراوانی	طبقه
۳۷/۵	۱۵۰	کمتر از ۳۰ سال
۴۴/۳	۱۷۷	۳۰ تا ۳۹ سال
۱۸/۲	۷۳	۴۰ تا ۵۰ سال
۱۰۰	۴۰۰	کل
محل تولد		
درصد	فراوانی	طبقه
۹۶/۳	۳۸۵	شهر
۳/۸	۱۵	روستا
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
قومیت		
درصد	فراوانی	طبقه
۹۷/۰	۳۸۸	فارس
۰/۵	۲	عرب
۲/۵	۱۰	تُرک
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
مذهب		
درصد	فراوانی	طبقه
۹۹/۰	۳۹۶	اهل تشیع
۱/۰	۴	اهل تسنن

سن		
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
سن ازدواج		
۰/۸	۳	<۱۵
۳۷/۳	۱۴۹	۱۹ - ۱۵
۴۲/۸	۱۷۱	۲۴ - ۲۰
۱۶/۵	۶۶	۲۹ - ۲۵
۲/۸	۱۱	۳۴ - ۳۰
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
تعداد ازدواج		
۹۸/۸	۳۹۵	یکبار
۱/۳	۵	بیش از یکبار
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
قدرت در خانواده		
درصد	فراوانی	طبقه
۱۵/۵	۶۲	کم
۷۸	۳۱۲	متوسط
۶/۵	۲۶	زیاد
۱۰۰	۴۰۰	کل

مدت ازدواج زنان نیز با میانگین ۱۱/۶ سال از کمتر از ۱ سال تا ۳۷ سال پراکندگی داشته است. یافته‌ها همچنین گویای آن است که حدود ۹۹ درصد زنان تا زمان تحقیق حاضر فقط یکبار ازدواج کرده و فقط حدود ۱ درصد آنها بیش از یکبار ازدواج کرده‌اند. به علاوه، یافته‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیش از ۹۶ درصد زنان بررسی شده متولد شهر بوده‌اند و تنها حدود ۴ درصد نمونه خاستگاه روستایی داشته‌اند. از آنجایی که ساکنان شهر لار به قومیت‌های مختلفی تعلق دارند؛ لذا این متغیر نیز سنجیده شده و اطلاعات آن در جدول شماره ۱ مندرج شده است. ۹۷ درصد زنان به قومیت فارس و سایرین به دو گروه قوم عرب و ترک متعلق بوده‌اند. یافته‌های جدول شماره ۱ از آن حکایت دارد که ۹۹ درصد نمونه‌ی بررسی شده مذهب تشیع داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که نمونه‌ی آماری تحقیق حاضر بیشتر اهل تشیع، فارس زبان و با خاستگاه شهری هستند. تحلیل داده‌ها نشان داد که سن ازدواج زنان نمونه‌ی آماری از ۱۲ تا ۳۴ سال متغیر بوده است؛ یعنی ازدواج‌های زیر ۱۵ سال نیز در جامعه‌ی آماری مطالعه شده وجود دارد. چنان که در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، حدود ۴۳ درصد ازدواج‌ها در دامنه‌ی سنی

۲۴-۲۰ سال اتفاق افتاده است و در مجموع حدود ۶۰ درصد زنان مطالعه شده در سنین ۲۴-۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. میانگین سن ازدواج برابر با حدود ۲۱ سال به دست آمد که بیانگر پایین‌ترین بودن سن ازدواج در شهر لار از متوسط کشوری و نیز نشان‌دهنده‌ی وقوع زیاد ازدواج در این شهر است. قدرت در خانواده - که از ترکیب گویه‌های شیوه‌ی اعمال قدرت، روابط قدرت و تصمیم‌گیری ساخته شد - ۶۱ تا ۷۶ در نوسان بود. باتوجه به نمرات کسب‌شده و دامنه‌ی تغییرات و نیز تعداد طبقات (سه طبقه) میزان قدرت در خانواده در سه طبقه‌ی کم، متوسط و زیاد کدگذاری مجدد شد و در جدول شماره‌ی ۱ آمده است. همان‌طوری که جدول نشان می‌دهد، بیشتر زنان مطالعه‌شده قدرتی در سطح متوسط در خانواده دارند.

جدول ۲. ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان مورد مطالعه و همسران آنها

تحصیلات همسران				تحصیلات زنان			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	طبقه‌ی تحصیلی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	طبقه‌ی تحصیلی
۱/۸	۱/۸	۷	بی‌سواد	۲/۵	۲/۵	۱۰	بی‌سواد
۹/۳	۷/۵	۳۰	ابتدائی/نهضت	۵/۳	۲/۸	۱۱	ابتدائی/نهضت
۲۸/۳	۱۹/۰	۷۶	راهتمانی	۱۴/۵	۹/۳	۳۷	راهتمانی
۲۴/۰	۱۳/۸	۵۵	دبیرستان	۳۰/۰	۱۵/۵	۶۲	دبیرستان
۷۱/۳	۲۹/۳	۱۱۷	دیپلم/پش‌دانشگاهی	۶۴/۸	۳۴/۸	۱۳۹	دیپلم/پش‌دانشگاهی
۷۹/۵	۸/۳	۳۳	کاردانی	۷۵/۳	۱۰/۵	۴۲	کاردانی
۹۴/۸	۱۵/۳	۶۱	کارشناسی	۹۸/۰	۲۲/۸	۹۱	کارشناسی
۱۰۰/۰	۵/۳	۲۱	ارشد و بالاتر	۱۰۰/۰	۲/۰	۸	ارشد و بالاتر
-	۱۰۰/۰	۴۰۰	کل	-	۱۰۰/۰	۴۰۰	کل
وضعیت اشتغال همسران				وضعیت اشتغال زنان			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	طبقه‌ی شغلی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	طبقه‌ی شغلی
۶۲/۰	۶۲/۰	۲۴۸	شغل آزاد	۹/۳	۹/۳	۳۷	شغل آزاد
۸۹/۸	۲۷/۸	۱۱۱	شاغل بخش دولتی	۲۰/۳	۱۱/۰	۴۴	شاغل بخش دولتی
۹۷/۸	۸/۰	۳۲	شاغل بخش خصوصی	۲۶/۳	۶/۰	۲۴	شاغل بخش خصوصی
۹۸/۳	۰/۵	۲	دانشجو	۳۰/۳	۴/۰	۱۶	دانشجو
۹۹/۵	۱/۳	۵	بیکار	۹۹/۰	۶۸/۸	۲۷۵	خانه‌دار
۱۰۰/۰	۰/۵	۲	سایر	۱۰۰/۰	۱/۰	۴	بیکار
-	۱۰۰/۰	۴۰۰	کل	-	۱۰۰/۰	۴۰۰	کل

در جدول شماره‌ی ۲ نیز توزیع نمونه‌ی مطالعه‌شده و همسران آنها برحسب برخی از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی دیگر نشان داده شده است. طبق مندرجات جدول شماره‌ی ۲ حدود ۳

درصد از زنان بررسی شده در تحقیق حاضر بی‌سواد و سایر زنان باسوادند که از بالا بودن وضعیت باسوادی در بین جامعه‌ی آماری مطالعه‌شده حکایت دارد. یافته‌ها همچنین گویای آن است که حدود ۶۵ درصد زنان تحصیلات دانشگاهی ندارند و حدود ۳۵ درصد زنان تحصیلات دانشگاهی دارند. اطلاعات جدول بیانگر همسانی نسبی زنان با همسران از نقطه‌نظر تحصیلی است؛ به‌طوری‌که حدود ۲ درصد همسران زنان مطالعه‌ی پیش‌رو نیز بی‌سواد و سایر شوهران باسوادند. نکته‌ی تأمل‌برانگیز درباره‌ی سطح تحصیلات، برتری زنان با مدرک دانشگاهی در مقایسه با همسران خود است، به‌طوری‌که کمتر از ۲۹ درصد شوهران تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند که این رقم برای زنان حدود ۳۵ درصد به‌دست آمده است.

بررسی وضعیت اشتغال زنان نشان می‌دهد که در مجموع حدود ۲۶ درصد زنان شاغل، حدود ۳۰ درصد آنها دانشجو و حدود ۶۹ درصد نیز خانه‌دار بوده‌اند و ۱ درصد نیز خود را بیکار معرفی کرده‌اند. هرچند ممکن است، خانه‌دار یا دانشجو بوده باشند. در مقابل، حدود ۹۸ درصد همسران زنان مطالعه‌شده شاغل و سایر آنها نیز دانشجو یا بیکار بوده‌اند. متغیر دیگری که سنجیده‌شده است، درآمد خانوار پاسخ‌گویان است. یافته‌ها نشان داد که درآمد خانوارها با میانگین حدود ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار از درآمد ۱۰۰ هزار تا ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پراکندگی دارد. بررسی کنش‌های باروری زنان مطالعه‌شده که در جدول شماره‌ی ۳ گزارش شده است، نشان می‌دهد که تعداد فرزندان ایدئال زنان یا همان تعداد فرزندان که زنان باتوجه به شرایط امروزی جامعه برای زوجین مناسب می‌بینند از ۱ تا ۶ فرزند نوسان دارد.

براساس اطلاعات به‌دست آمده از جدول ۵۰ درصد زنان ۲ فرزند و در مجموع حدود ۵۸ درصد زنان داشتن ۱ تا ۲ فرزند را ایدئال باروری معرفی کرده‌اند؛ یعنی بیشتر زنان همچنان ۱ تا ۲ فرزند را ایدئال جامعه‌ی امروزی ایران می‌دانند. همچنین یافته‌ها گواه آن است که به‌طور معمول داشتن ۴ فرزند و بیشتر دیگر از نظر زنان ایدئال نیست. در مجموع، تحلیل داده‌ها نشان داد که متوسط تعداد فرزندان ایدئال از نظر زنان ۲/۵ فرزند است که این موضوع دال بر بالاتر بودن باروری ایدئال زنان از سطح باروری جایگزینی است.

جدول ۳. توزیع زنان مطالعه شده برحسب کنش‌های باروری آنها

تعداد فرزند ایدئال	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۳۱	۷/۸	۷/۸
۲	۲۰۰	۵۰/۰	۵۷/۸
۳	۱۱۳	۲۸/۳	۸۶/۰
۴	۵۲	۱۳/۰	۹۹/۰
۵	۲	۰/۵	۹۹/۵
۶	۲	۰/۵	۱۰۰/۰
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰	-
متوسط تعداد فرزندان ایدئال = ۲/۵			
تعداد فرزند خواسته	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۲۰	۵/۰	۵/۰
۲	۲۱۸	۵۴/۵	۹۵/۵
۳	۱۰۹	۲۷/۳	۸۶/۸
۴	۴۳	۱۰/۸	۹۷/۵
۵	۴	۱/۰	۹۸/۵
۶	۲	۰/۵	۹۹/۰
۷	۲	۰/۵	۹۹/۵
۸	۲	۰/۵	۱۰۰/۰
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰	-
متوسط تعداد فرزندان خواسته = ۲/۵			
تعداد فرزند زنده به دنیا آمده	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۰	۱۱	۲/۸	۲/۸
۱	۱۷۶	۴۴/۰	۴۶/۸
۲	۱۴۳	۳۵/۸	۸۲/۵
۳	۴۶	۱۱/۵	۹۴/۰
۴	۱۸	۴/۵	۹۸/۵
۵	۲	۰/۵	۹۹/۰
۶	۲	۰/۵	۹۹/۵
۷	۲	۰/۵	۱۰۰/۰
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰	-
متوسط تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده = ۱/۸			

آمار جدول شماره ۳ از آن حکایت می‌کند که متوسط باروری خواسته‌ی زنان یا همان تعداد فرزندی که زنان خود قصد دارند به دنیا بیاورند، برابر با ۲/۵ فرزند است. البته باروری خواسته‌ی زنان در مقایسه با باروری ایدئال آنها پراکندگی بیشتری دارد. تعداد فرزندان خواسته‌ی زنان از ۱ تا ۸ فرزند در نوسان است، به طوری که بیش از ۵۴ درصد زنان قصد دارند ۲ فرزند داشته باشند؛ یعنی خواستن دو ۲ فرزند الگوی غالب باروری خواسته است که در مطالعات پیشین (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۳) نیز نشان داده شده است.

در مجموع، حدود ۸۷ درصد قصد دارند، ۱ تا ۳ فرزند را به دنیا بیاورند. این موضوع مؤید تمایل و علاقه‌ی زنان به فرزنددار شدن آن هم در سطحی بالاتر از سطح باروری جایگزینی است. با وجود این، داده‌ها نشان می‌دهد که قصد داشتن ۴ فرزند و بیشتر در جامعه را دیگر باید منسوخ شده به شمار آورد، زیرا فقط حدود ۱۳ درصد زنان اظهار کرده‌اند که قصد دارند ۴ فرزند و بیشتر به دنیا بیاورند. باتوجه به جدول شماره‌ی ۳ دامنه‌ی تعداد فرزندان به دنیا آمده‌ی زنان با میانگین $1/8$ فرزند از بی‌فرزندگی تا ۷ فرزند متغیر است، به طوری که فقط حدود ۳ درصد زنان در زمان پیمایش هیچ فرزندی نداشته‌اند و این رقم نسبتاً پایین است، از سوی دیگر از آنجا که ازدواج $3/6$ درصد زنان بررسی شده فقط ۱ سال و کمتر گذشته است، بی‌فرزندگی در بین ۳ درصد زنان دور از انتظار نیست. در مجموع، آمار بسیار پایین بی‌فرزندگی در بین زنان مؤید بالابودن عمومیت داشتن فرزند و فرزندآوری در جامعه‌ی مورد نظر است. بالاترین نسبت فرزندآوری به تعداد ۱ و ۲ فرزند با ارقام ۴۴ و حدود ۳۶ درصد اختصاص یافته است؛ یعنی در مجموع، حدود ۸۰ درصد زنان ۱ تا ۲ فرزند به دنیا آورده‌اند که بیانگر الگوی غالب فرزندآوری در جامعه است. آمار جدول شماره‌ی ۳ بیانگر آن است که داشتن ۳ فرزند و بیشتر در جامعه‌ی مطالعه شده دیگر جایگاه مهمی به خود اختصاص نداده است؛ به عبارتی، بیشتر از ۳ فرزند به دنیا آوردن دیگر موضوعیت ندارد. باروری واقعی در مطالعه‌ی حاضر که $1/8$ فرزند به دست آمده است، با باروری ایدئال زنان همچنان فاصله دارد. ذکر این نکته لازم است که باروری واقعی زنان تا زمان تحقیق حاضر سنجیده شده است و به احتمال زیاد بخشی از زنان جوان (به طور مشخص زنان زیر ۳۰ سال) در آینده فرزندان دیگری نیز به دنیا خواهند آورد. از این رو، تفاوت باروری واقعی با باروری‌های خواسته و ایدئال یا به عبارتی پایین بودن باروری واقعی از باروری خواسته و ایدئال، در تحقیق حاضر، دور از انتظار نیست.

در ادامه، رابطه‌ی قدرت زنان در خانواده و کنش‌های فرزندآوری بررسی شده است. ابتدا تأثیر دومتغیره‌ی ابعاد قدرت زنان در خانواده و کنش‌های فرزندآوری در جدول شماره‌ی ۴ آورده شده است. همان طوری که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، هر اندازه تصمیم‌گیری زنان در خانواده تأثیر گذارتر شود، باروری ایدئال و خواسته و واقعی آنها نیز کاهش می‌یابد. البته رابطه‌ی این بعد تصمیم‌گیری ساختار روابط قدرت با باروری واقعی معنادار نیست. روابط قدرت با سه نوع کنش فرزندآوری همبستگی معنادار و منفی دارد؛ یعنی هر اندازه نقش زنان در تصمیم‌گیری، روابط قدرت و اعمال قدرت بیشتر شود، باروری ایدئال، باروری خواسته و باروری واقعی آنها کاهش خواهد یافت. اعمال قدرت نیز با سه نوع کنش فرزندآوری همبستگی منفی دارد؛ یعنی هر اندازه اعمال قدرت در خانواده به سوی فاصله گرفتن از مردمحوری پیش رود، تمایلات و رفتار واقعی

باروری زنان نیز به سوی تعداد فرزند کمتر میل می‌کند. گفتنی است که همبستگی اعمال قدرت و باروری ایدئال زنان معنادار نیست.

جدول ۴. همبستگی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان

باروری واقعی	باروری خواسته	باروری ایدئال	ابعاد ساختار قدرت در خانواده	
-۰/۰۷۰	-۰/۱۷۳ ^{oo}	-۰/۱۱۸ ^o	همبستگی پیرسون	تصمیم‌گیری
۰/۱۶۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	نمونه	
-۰/۱۶۵ ^{oo}	-۰/۱۵۸ ^{oo}	-۰/۱۲۹ ^{oo}	همبستگی پیرسون	روابط قدرت
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۰	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	نمونه	
-۰/۱۵۸ ^{oo}	-۰/۱۱۴ ^o	-۰/۰۵۹	همبستگی پیرسون	اعمال قدرت
۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۰/۲۴۰	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	نمونه	

پس از ترکیب ابعاد سه‌گانه تصمیم‌گیری و در ادامه، روابط قدرت و اعمال قدرت، شاخص قدرت زنان در خانواده ساخته و رابطه‌ی آن با کنش‌های فرزندآوری در جدول شماره‌ی ۵ آورده شده است. آمار جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد، رابطه‌ی قدرت زنان در خانواده با باروری ایدئال، باروری خواسته و باروری واقعی رابطه‌ای منفی و معنادار است؛ یعنی با افزایش قدرت زنان در خانواده اندازه‌ی باروری واقعی، باروری ایدئال و باروری خواسته کاهش می‌یابد.

جدول ۵. همبستگی قدرت زنان در خانواده و کنش‌های باروری زنان

باروری واقعی	باروری خواسته	باروری ایدئال	عنوان
۰/۱۶۳ ^{oo}	-۰/۲۰۶ ^{oo}	-۰/۱۴۲ ^o	همبستگی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد نمونه

در جداول شماره‌ی ۶ و ۷ و ۸، تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر کنش‌های فرزندآوری زنان با کنترل ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی بررسی و ارائه شده است.

جدول ۶. تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر باروری ایدئال زنان با کنترل ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی

مدل ۲		مدل ۱		متغیر
معناداری	ضرایب استاندارد	معناداری	ضرایب استاندارد	
۰/۷۷۷	-۰/۰۱۹	۰/۷۶۴	-۰/۰۲	راهنمایی و کمتر
۰/۵۴۸	۰/۰۳۸	۰/۳۹۶	۰/۰۵۳	دیپلم/پیش‌دانشگاهی
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)
۰/۱۲۵	-۰/۱۰۶	۰/۱۸۲	-۰/۰۹۳	راهنمایی و کمتر
۰/۱۰۲	-۰/۱۰۷	۰/۱۴۵	-۰/۰۹۶	دیپلم/پیش‌دانشگاهی
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)
۰/۶۴۸	۰/۰۲۴	۰/۵۸۲	۰/۰۲۹	سن ازدواج زنان
۰/۴۲۶	۰/۰۴۲	۰/۴۸۰	۰/۰۳۸	یکبار
-	-	-	-	شاغل (مرجع)
۰/۸۳۴	-۰/۰۱۱	۰/۸۱۴	-۰/۰۱۲	یکبار
-	-	-	-	شاغل (مرجع)
۰/۰۲۳	-۰/۱۱۷	۰/۰۴۸	-۰/۱۰۱	روستا
-	-	-	-	شهر (مرجع)
۰/۱۱۰	۰/۰۹۲	۰/۰۹۲	۰/۰۹۷	سن زنان
۰/۰۱۸	-۰/۱۲۱	-	-	ساختار قدرت در خانواده
R ² = ۰/۰۴۱		R ² = ۰/۲۷		ضریب تعیین

در مدل‌های شماره‌ی ۱ فقط ویژگی‌های فردی و اجتماعی - اقتصادی زنان و در مدل‌های شماره‌ی ۲ متغیر ساختار قدرت در خانواده نیز اضافه شده است. برای سنجش این دو مدل از روش تحلیل رگرسیون همزمان سلسله‌مراتبی بهره برده شده است. یافته‌های جدول شماره‌ی ۶ نشان می‌دهد، در مدل شماره‌ی ۲ که تأثیر ساختار قدرت در خانواده را با کنترل سایر متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد، در بین متغیرهای زمینه‌ای فقط محل تولد در باروری ایدئال زنان اثر معنادار دارد؛ به این معنا که زنانی که محل تولدشان روستا بوده است، باروری ایدئال پایین‌تری نسبت به زنان شهری دارند. متغیر ساختار قدرت در خانواده اثر معناداری در تعداد فرزندان ایدئال زنان دارد؛ بدین معنا که هر اندازه قدرت زنان در ساختار خانواده افزایش یابد، تعداد فرزندان ایدئال زنان کاهش می‌یابد. مدل اول که فقط با ورود متغیرهای زمینه‌ای آزموده شده است، حدود ۳ درصد و مدل دوم که متغیر ساختار قدرت با کنترل ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان است، نیز ۴ درصد واریانس تعداد فرزندان ایدئال را تبیین می‌کند. در جدول شماره‌ی ۷ رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و باروری خواسته‌ی زنان بررسی شده است. یافته‌ها گویای این مطلب است که در مدل

اول، تحصیلات زنان و همسران و نیز سن زنان در تعداد فرزندان خواسته‌ی زنان اثر معناداری دارد. زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر درمقایسه با زنان دانشگاهی باروری خواسته‌ی بالاتری دارند و این رابطه از نظر آماری معنادار است. زنان با تحصیلات دیپلم/ پیش‌دانشگاهی هم درمقایسه با زنان با تحصیلات عالی قصد دارند، فرزند بیشتری به دنیا بیاورند، هرچند که این رابطه معنادار نشده است. زنانی که همسرانشان تحصیلات دیپلم/ پیش‌دانشگاهی دارند، درمقایسه با زنانی که همسرانشان تحصیلات دانشگاهی دارند، باروری خواسته پایین‌تری دارند؛ همچنین با افزایش سن تعداد فرزندان خواسته‌ی زنان افزایش خواهد یافت.

جدول ۷. تأثیر ساختار قدرت در خانواده در باروری خواسته‌ی زنان با کنترل ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی

مدل ۲		مدل ۱		متغیر	
معناداری	ضرایب استاندارد	معناداری	ضرایب استاندارد		
۰/۰۴۴	۰/۱۳۱	۰/۰۴۶	۰/۱۳۰	راهنمایی و کمتر	تحصیلات زنان
۰/۸۱۸	-۰/۰۱۴	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰	دیپلم/ پیش‌دانشگاهی	
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)	
۰/۴۳۵	-۰/۰۵۳	۰/۰۵۴۹	-۰/۰۴۰	راهنمایی و کمتر	تحصیلات همسران
۰/۰۳۳	-۰/۱۳۶	۰/۰۴۸	-۰/۱۲۶	دیپلم/ پیش‌دانشگاهی	
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)	
۰/۴۸۲	۰/۰۳۶	۰/۴۳۱	۰/۰۴۱	سن ازدواج زنان	
۰/۰۹۷	۰/۰۸۵	۰/۱۱۵	۰/۰۸۱	بیکار	وضعیت اشتغال زنان
-	-	-	-	شاغل (مرجع)	
۰/۱۹۸	۰/۰۶۳	۰/۲۰۹	۰/۰۶۱	بیکار	وضعیت اشتغال همسران
-	-	-	-	شاغل (مرجع)	
۰/۷۸۴	-۰/۰۱۴	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰	روستا	محل تولد
-	-	-	-	شهر (مرجع)	
۰/۰۰۶	۰/۱۵۴	۰/۰۰۵	۰/۱۵۸	سن زنان	
۰/۰۳۲	-۰/۱۰۷	-	-	ساختار قدرت در خانواده	
$R^2 = ۰/۰۹۳$		$R^2 = ۰/۰۸۰$		ضریب تعیین	

در مدل دوم، با ورود متغیر ساختار قدرت در خانواده، همچنان تحصیلات زنان و همسرانشان به همراه سن زنان با باروری خواسته‌ی زنان رابطه‌ی معناداری دارد. در مدل دوم، با کنترل ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای زنان مطالعه‌شده، ساختار قدرت در خانواده در باروری خواسته‌ی زنان اثر معناداری دارد؛ یعنی هر اندازه افزایش قدرت زنان در ساختار خانواده بیشتر شود، تعداد فرزندان خواسته‌ی زنان کاهش می‌یابد. مدل اول ۸ درصد و مدل دوم بیش از ۹ درصد از تغییرات باروری خواسته‌ی زنان را تبیین می‌کند.

جدول ۸. تأثیر ساختار قدرت در خانواده در باروری واقعی زنان با کنترل ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی

مدل ۲		مدل ۱		متغیر	
معناداری	ضرایب استاندارد	معناداری	ضرایب استاندارد		
۰/۰۰۱	۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۰	راهنمایی و کمتر	
۰/۳۱۵	۰/۰۵۰	۰/۲۴۳	۰/۰۵۸	دیلیم/پیش‌دانشگاهی	
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)	
۰/۷۶۹	۰/۰۱۶	۰/۶۷۴	۰/۰۲۳	راهنمایی و کمتر	
۰/۳۳۸	-۰/۰۵۰	۰/۳۹۶	-۰/۰۴۴	دیلیم/پیش‌دانشگاهی	
-	-	-	-	دانشگاهی (مرجع)	
۰/۰۳۷	-۰/۰۸۹	۰/۰۴۳	-۰/۰۸۶	سن ازدواج زنان	
۰/۳۳۳	۰/۰۴۲	۰/۳۵۲	۰/۰۳۹	بیکار	
-	-	-	-	شاغل (مرجع)	
۰/۳۲۰	۰/۰۴۰	۰/۳۳۰	۰/۰۳۹	بیکار	
-	-	-	-	شاغل (مرجع)	
۰/۵۰۱	-۰/۰۲۸	۰/۶۳۰	-۰/۰۲۰	روستا	
-	-	-	-	شهر (مرجع)	
۰/۰۰۰	۰/۵۴۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴۳	سن زنان	
۰/۱۳۰	-۰/۰۶۲	-	-	ساختار قدرت در خانواده	
R ² = ۰/۳۸۸		R ² = ۰/۳۸۴		ضریب تبیین	

در جدول شماره ۸، رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و باروری واقعی زنان تا زمان تحقیق آزموده شده است. منظور از باروری واقعی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده‌ی زنان تا زمان پیمایش است. در مدل دوم، با کنترل متغیرهای جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی مشاهده می‌شود که ساختار قدرت در خانواده اثر منفی در تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده‌ی زنان دارد؛ بدین معنا که هر اندازه زن سالاری در ساختار خانواده بیشتر شود - یعنی از مردمحوری فاصله گرفته شود و بر قدرت زنان در خانواده افزوده شود - باروری واقعی زنان نیز کاهش یافته است، اما از نظر آماری رابطه‌ی فوق معنادار نیست. مدل اول حدود ۳۸ درصد و مدل دوم با ورود متغیر ساختار قدرت در خانواده حدود ۳۹ درصد از تغییرات باروری واقعی زنان را توضیح می‌دهد؛ یعنی ورود متغیر ساختار قدرت در خانواده حدود ۱ درصد قدرت تبیین مدل را افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که در مدل دوم تحصیلات زنان، سن و سن ازدواج زنان نیز اثر معناداری در تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده‌ی زنان مطالعه شده دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از موضوعاتی که در درون خانواده تصمیم‌گیری می‌شود و به منصفی ظهور می‌رسد، کنش فرزندآوری است. کنش فرزندآوری بر تمایلات، ایدئال‌ها و رفتارهای باروری زنان دلالت دارد که متأثر از شرایط خانواده و جامعه حادث می‌شود. ایران در حوزه‌ی باروری تغییرات چشمگیری داشته است. باروری بالای ۷ فرزند در دهه‌ی ۱۳۴۰ تا کاهش باروری به حدود ۶/۵ فرزند در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰ و افزایش دوباره‌ی سطح باروری تا حدود ۷ فرزند در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ از این تغییرات است. با تصویب و اجرای دومین برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران در سال ۱۳۶۸ باروری دوباره از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ و به‌خصوص در دهه‌ی ۱۳۷۰ کاهش کم‌نظیری داشته است. در سال ۱۳۷۵، باروری به حدود سطح جایگزینی، در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار به زیر سطح جایگزینی، در سال ۱۳۸۵ به رقم ۱/۹ و در سال ۱۳۹۰ به ۱/۸ فرزند به ازای هر زن رسید. برخی مطالعات (حسینی‌چاوشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱) بر افزایش دوباره‌ی سطح باروری تا نزدیک سطح جایگزینی در سال ۱۳۹۵ تأکید کرده‌اند. باوجوداین، مشخص است که باروری تغییرات اساسی در جامعه داشته و کاهش باروری قبل از شروع دوباره‌ی برنامه‌ی تنظیم خانواده در درون خانواده‌ها شروع شده بود. مطالعات و شواهد (محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۳۳؛ عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۶؛ طباطبایی‌یزدی، ۱۳۸۶: ۷۴؛ Abdollahyan, 2004) گویای این مهم است که به‌موازات تغییرات باروری، روند وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان ایرانی بهبود نسبی داشته است. از نظر تئوریک، هر اندازه قدرت زنان در محیط خانواده - برای مثال در نتیجه‌ی افزایش تحصیلات زنان و مشارکت اقتصادی آنها - بیشتر شود، به همان اندازه انتظار می‌رود، کنش‌ها و رفتارهای باروری زنان - مانند تعداد فرزندان ایدئال، تعداد فرزندان خواسته یا حتی تعداد فرزندان زنده به‌دنیا آمده‌ی زنان - دستخوش تغییر - اغلب با کاهش - روبه‌رو شود.

در مطالعه‌ی حاضر تلاش شده است که ارتباط نظری قدرت در خانواده و کنش‌های باروری زنان در شهر لار بررسی و آزموده شود.

نتایج به دست آمده نشان داد، باروری ایدئال یا همان تعداد فرزندانی که زنان باتوجه به شرایط امروزی جامعه برای زوجین مناسب می‌بینند، از ۱ تا ۶ فرزند نوسان دارد. یافته‌ها چند نکته را مشخص کرد؛ نکته‌ی نخست آن است که هیچ زنی بی‌فرزندی را ایدئال نمی‌داند، به عبارتی تمامی زنان بررسی‌شده بر این باورند که داشتن فرزند لازم است، حتی اگر در رفتار واقعی این نظر بالفعل نشود. ۵۰ درصد زنان ۲ فرزند و در مجموع حدود ۵۸ درصد زنان داشتن ۱ تا ۲ فرزند را ایدئال باروری می‌دانند؛ یعنی بیشتر زنان همچنان ۱ تا ۲ فرزند را ایدئال جامعه‌ی امروزی

ایران می‌دانند. همچنین یافته‌ها گواه آن است که داشتن ۴ فرزند و بیشتر دیگر از نظر زنان ایدئال نیست، بنابراین می‌توان گفت که داشتن این تعداد فرزند دیگر جایی در رفتارهای باروری زوجین و خانوارها نخواهد داشت. متوسط تعداد فرزندان ایدئال از نظر زنان ۲/۵ فرزند بود که این نتیجه‌گیری با نتایج برخی مطالعات پیشین (محمودیانی، ۱۳۹۳؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۳؛ عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱) همسو است و بر بالاتر بودن باروری ایدئال زنان از سطح باروری جایگزینی حکایت دارد. رفتار واقعی باروری یا متوسط تعداد فرزندان که زنان تا زمان پیمایش حاضر به دنیا آورده‌اند، نشان‌دهنده‌ی پایین‌تر بودن این رقم (۱/۸) نسبت به متوسط باروری ایدئال (۲/۵) است که این اختلاف با انتظارات نظری بونگارت نیز همسو است؛ زیرا وی معتقد است، معمولاً باروری ایدئال ۱ تا ۲ فرزند بیشتر از باروری واقعی است (Bongaarts, 2001).

تحلیل‌های دومتغیره نشان داد، در خانواده‌هایی که زنان تحصیلات دانشگاهی دارند، ساختار مردمحوری بسیار ضعیف شده است؛ یعنی ورود زنان به تحصیلات دانشگاهی بر تعدیل ساختار قدرت در خانواده خواهد انجامید. تحصیلات همسر تأثیر به‌مراتب روشن‌تری در ساختار قدرت در خانواده دارد. افزایش سطح تحصیلی مردان به تعدیل فضای خانواده و افزایش قدرت زنان خواهد انجامید. بی‌تردید مردان شاغل احتمالاً تحصیلات بالاتری دارند؛ لذا شاید بخشی از این تأثیرگذاری وضعیت اشتغال به دلیل تحصیلات مردان باشد. نتایج حاکی است که در مجموع، ساختار قدرت در خانواده‌های با خاستگاه شهری، دموکراتیک‌تر بوده و زنان قدرت بالاتری دارند. یافته‌های فوق که نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی تحصیلات و وضعیت اشتغال و خاستگاه شهری/روستایی افراد با ساختار قدرت در خانواده است، در بسیاری از مطالعات پیشین (Parrado & Flippen, 2005؛ Ouchou, 2011؛ Fox, 1973؛ Acharya & et al, 2010؛ حسینیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ایمان و بهمنی، ۱۳۹۱؛ ناییبی و گلشنی، ۱۳۹۲ و مهدوی و خسروشاهی، ۱۳۸۲) نیز تأیید شده است.

در تحلیل‌های چندمتغیره تلاش شد که با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی رابطه‌ی ساختار قدرت در خانواده و کنش‌های فرزندآوری زنان بررسی شود. نتایج نشان داد که ساختار قدرت در خانواده در ایدئال‌های باروری و باروری خواسته اثر معناداری دارد، به طوری که با کم‌رنگ شدن ساختارهای مردمحور و افزایش قدرت زنان در خانواده، باروری ایدئال و باروری خواسته‌ی زنان کاهش می‌یابد. این نتیجه با انتظارات تئوریک - یعنی نظریه‌ی قدرت و جنسیت و نیز نظریه‌ی منابع قدرت در خانواده - هماهنگ است. براساس تئوری‌های مذکور انتظار می‌رود که قدرت در خانواده بر حسب جنسیت متفاوت باشد و ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی افراد، یعنی زن و مرد، تعیین‌کننده‌ی قدرت آنها در خانواده است. همچنین براساس تئوری‌های فوق یکی از رفتارهایی

که از قدرت زن و مرد در خانواده متأثر خواهد شد، کنش‌های فرزندآوری آنهاست. نتایج مطالعه‌ی حاضر با یافته‌های عمده‌ی مطالعات قبلی (عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱: ۷۴؛ دراهکی، ۱۳۹۴: ۶۶؛ ۳۵؛ Dyson & Moore, 1983: 718؛ Mason, 1987؛ Hindin, 2000: 255) هم‌راستاست. لازم به ذکر است که افزایش قدرت زنان در خانواده به کاهش تعداد فرزندان زنده به‌دنیاآمده‌ی زنان می‌انجامد، هرچند که این رابطه از نظر آماری معنادار نشده است.

در نتیجه، دو فرضیه‌ی اول تحقیق حاضر تأیید شدند و در مقابل فرضیه‌ی سوم که بیانگر رابطه‌ی منفی ساختار قدرت در خانواده و تعداد فرزندان زنده به‌دنیاآمده‌ی زنان بود (همان باروری واقعی زنان)، هرچند نوع رابطه تأیید شد، اما با توجه به معنادار نبودن آن، فرضیه در مجموع تأیید نشد. نتایج رگرسیون‌ی نیز گویای آن بود که تحصیلات زنان در باروری خواسته و واقعی زنان اثر معناداری دارد و این موضوع باید بررسی شود. از آنجا که سطح تحصیلات زنان افزایش چشمگیری داشته است و این روند نیز همچنان تداوم دارد، در آینده نیز تأثیر تحصیلات بر باروری ادامه خواهد داشت. افزایش تحصیلات یکی از دلایل مهم تغییر نگرش و تحول در رفتار فرزندآوری است. طبق تحقیقات، افزایش تحصیلات حدود ۳۵ درصد کاهش باروری را تبیین می‌کند (عباسی‌شوازی، ۱۳۹۸)؛ لذا تأثیرگذاری معنادار و چشمگیر تحصیلات در باروری در این مطالعه نیز پذیرفتنی است. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که همچنان باروری ایدئال زنان بالاتر از سطح جایگزینی است؛ لذا باید به زوجین کمک کرد تا بتوانند باروری ایدئال خود را محقق کنند. این مهم از طریق تداوم برنامه‌های تنظیم خانواده و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها میسر خواهد شد. با توجه به روند روبه‌بهبود وضعیت زنان، به‌خصوص از نظر تحصیلی و افزایش آن و تعدیل ساختار قدرت در خانواده در راستای نقش‌آفرینی بیشتر زنان در خانواده، دیگر نباید انتظار داشت باروری افزایش خیلی زیادی داشته باشد و به رقمی بالای ۲/۵ فرزند برای هر زن برسد.

منابع

- ◀ اعزازی، شهلا، ۱۳۷۶. جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران.
- ◀ ایمان، محمدتقی و لیلا بهمنی، ۱۳۹۱. «تأثیر اشتغال زنان بر ساختار توزیع قدرت در خانواده در شهر شیراز»، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، س سوم، ش ۱۹.
- ◀ آوتویت، ویلیام و تام باتامور، ۱۳۹۲. فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ◀ توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۰. نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ◀ جعفری، زهرا، ۱۳۸۷. «جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و مهاجرت؛ گزارش گروه مطالعات زنان انجمن

- جامعه‌شناسی ایران»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۱۱.
- ◀ جمشید، بهنام، ۱۳۵۰. ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران: خوارزمی.
- ◀ حسینی، حاتم و بلال بگی، ۱۳۹۱. «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد»، زن در توسعه سیاست، د ۱۰، ش ۴.
- ◀ حسینی، حاتم و بلال بگی، ۱۳۹۳. «تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان در سال ۱۳۹۱»، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، س هجدم، ش ۱.
- ◀ حسینیان، سیمین، ابوالفضل کرمی و محمد امینی، ۱۳۹۲. «بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در بین خانواده‌های زنان شاغل و غیر شاغل»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، س ۱۱، ش ۲.
- ◀ حسینی چاوشی، میمنت، محمد جلال عباسی شوازی و حجه‌بی‌بی رازقی نصرآباد، ۱۳۹۶. تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- ◀ دراهکی، احمد، ۱۳۹۴. «عوامل تعیین‌کننده باروری ایدئال زنان: مطالعه باروری ایدئال زنان ۴۹-۱۵ ساله دارای همسر شهر نسیم شهر در سال ۱۳۹۳»، علوم پزشکی رازی، د ۲۲، ش ۱۴۱.
- ◀ راسل، برتراند، ۱۳۷۱. قدرت، ترجمه‌ی نجف دریابندی، تهران: خوارزمی.
- ◀ ریتزر، جورج، ۱۳۸۷. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ◀ سفیری، خدیجه، راضیه آراسته و مرضیه موسوی، ۱۳۸۹. «تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده»، زن در توسعه و سیاست، د ۸، ش ۱.
- ◀ صادقی فسایی، سهیلا، ۱۳۸۹. «ضرورت نظریه‌پردازی در حوزه مسائل زنان از تحقیق تا نظریه»، مطالعات راهبردی زنان، س سیزدهم، ش ۵۰.
- ◀ طباطبایی یزدی، مژگان، ۱۳۸۶. «مطالعه روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال، ۱۳۹۸. «تأثیر ۳۵ درصدی افزایش تحصیلات بر کاهش باروری»، خبرگزاری شفقنا.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و زهره خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲. «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، زن در توسعه و سیاست، د ۱۱، ش ۱.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی‌مندگاری، ۱۳۸۹. «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر

- رفتار باروری آنها در ایران»، زن در توسعه و سیاست، د ۸، ش ۱.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاوشی، ۱۳۹۲. تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر، تهران: پژوهشکده آمار.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال، پیترو مک‌دونالد، میمنت حسینی چاوشی و زینب کاوه‌فیروز، ۱۳۸۱. «بررسی دیدگاه زنان درمورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال، رسول صادقی، سراج‌الدین محمودیانی، ۱۳۹۱. مرور تحقیقات و مطالعات جوانان در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی، تهران: برنامه همکاری دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل.
- ◀ عرفانی، سامال، ۱۳۸۶. بررسی انسان شناختی استراتژی‌های قدرت زنان گُرد (بررسی موردی زنان طبقه متوسط شهرستان سنندج، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مردم‌شناسی زیر نظر دکتر ناصر فکوهی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ عنایت، حلیمه و منصوره دسترنج، ۱۳۸۹. «مطالعه ساختار قدرت در خانواده: مطالعه موردی شهر لار»، پژوهش زنان، د ۸، ش ۱.
- ◀ فروتن، یعقوب، ۱۳۹۱. «بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت»، مطالعات ملی، س سیزدهم، ش ۲.
- ◀ محمدپور، احمد، داریوش بوستانی، رسول صادقی و مهدی رضایی، ۱۳۸۸. «تحقیق فمینیستی: مبانی پارادایمی و مجادله‌های انتقادی»، پژوهش زنان، د ۷، ش ۲۱.
- ◀ محمودیان، حسین، ۱۳۷۹. «پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری». نامه علوم اجتماعی، ش ۱۵.
- ◀ _____، ۱۳۸۴. «ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران»، پژوهش زنان، د ۳، ش ۲.
- ◀ محمودیان، حسین و سراج‌الدین محمودیانی، ۱۳۹۳. «مطالعه تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دلخواه: مطالعه موردی افراد در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۶، ش ۶۳.
- ◀ محمودیانی، سراج‌الدین، ۱۳۹۲. (زنان و مهاجرت: مطالعه نقش زنان و تعیین‌کننده‌های آن در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت به استان تهران)، (پایان‌نامه دکتری، رشته جمعیت‌شناسی زیر نظر دکتر حسین محمودیان، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ _____، ۱۳۹۳. «باروری ایدئال زنان و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه موردی زنان شهر کرمانشاه»، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، د ۲۲، ش ۷.
- ◀ منصوریان، محمدکریم و فرحناز قادری، ۱۳۸۱. «عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، س دوم، ش ۳۰.

- ◀ مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲. «بررسی ساختار قدرت در خانواده»، *مطالعات زنان*، س اول، ش ۲.
- ◀ ناییبی، هوشنگ و میمنت گلشنی، ۱۳۹۲. «تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده: مطالعه تجربی شهر بابل»، *زن در توسعه و سیاست*، د ۱۱، ش ۱.
- ▶ Abdollahyan, H, 2004. "The generation gap in contemporary Iran", *Journal of Welt Trends*, 44.
- ▶ Acharya, D.R., J.S Bell, P. Simkhada, E.R. Teijlingen and P.R Regmi, 2010. "Women's autonomy in household decision-making: a demographic study in Nepal", *Reproductive Health*, 7(15).
- ▶ Beckman-Brindley, S. & J.B Tavormina, 1978. "Power relationship in families: A social exchange perspective", *Family Process*, 17 (4).
- ▶ Bongaarts, J, 2001. "The end of the fertility transition in the developed world", *Population and development review*, 28.
- ▶ Chattopadhyay, A, 1997. "Family migration and the economic status of women in Malaysia", *The international migration review*, 31 (2).
- ▶ Coleman-Minahan, K, 2015. Migration, family, gender and reproductive health of Mexican-origin young women (PhD dissertation, Health and Behavior Sciences Program), Under Advisor Shena Bull, University of Colorado.
- ▶ Dyson, T & M Moore, 1983. "On kinship structure, female autonomy and demographic behavior in India", *Population and Development Review*, 9 (1).
- ▶ Fox, G.J, 1973. "Another look at the comparative resource model: Assessing the balance of power in Turkish families", *Journal of Marriage and the Family*, 35.
- ▶ Hardill, I, 2002. *Gender, migration and dual career household*, 1nd end, London: Routledge.
- ▶ Hindin, M.J, 2000. "Women's autonomy, women's status and fertility-related behavior in Zimbabwe", *Population Research and Policy review*, 19.
- ▶ Mason, K.O, 1987. "The impact of women's social position on fertility in developing countries", *Sociological Forum*, 2 (4).
- ▶ Olson, H.D, 1962. "The Measurement of family power by self-report and behavioral methods", *Journal of Marriage and Family*, 31 (3).

- ▶ Oucho, L.A, 2011. Migration decision-making of Kenyan and Nigerian women in London (PhD dissertation in Ethnic Relations under Advisor Dr. Khursheed Wadia and Dr. Helen Toner, University of Warwick, School of Health and social Studies).
- ▶ Reed, H., R. Briere & J. Casterline, 1999. "The role of diffusion processes in fertility change in developing countries", National Research Council.
- ▶ http://www.nap.edu/catalog.php?record_id=6475

